

رسانه‌ها و استعداد‌های درخشان

نابغه‌ها هم افت کرده‌اند*

«استعداد‌های درخشان» یکی از دوانتهای نیروی علمی نظام آموزش و پرورش کشورمان هستند. در انتهای دیگر، گروهی قرار می‌گیرند که رقم میلیونی دارند و همه ساله با افت در تحصیلات از گردونهٔ تحصیل خارج می‌شوند.

استعداد‌های درخشان، که اتفاقاً رقم آنها نیز میلیونی است - بر خلاف گروهی که همه ساله با ترک تحصیل به سادگی شناسایی می‌شوند - با انجام آزمونهای مختلف و با سنجش نمرات امتحانات نهایی و نمرات دروس علوم پایه شناسایی و از سایر همکلاسی‌های مستعد و با هوش خود متمایز می‌شوند.

تعدادی که از این میان برای شرکت در المپیادهای علمی برگزیده می‌شوند، با سایر دوستان خود از لحاظ مرتبه علمی و هوش و استعداد، فاصله زیادی ندارند. و چند آزمون‌گزینشی، فقط آنهایی را که توانایی دارند از آزمونها آسان‌تر و ساده‌تر عبور کنند، مشخص می‌کند و دلیلی بر تفاوت فاحش در فاصله استعداد تحصیلی شرکت‌کنندگان در آزمون نیست.

امسال تیم‌های دانش‌آموزی کشورمان، در مسابقات المپیادهای علمی، نسبت به سالهای گذشته رتبه‌های پایین‌تری کسب کردند که پرسشهای متعددی را سبب شده است. آیا به دست

نیامدن رتبه‌های سال گذشته، فقط یک اتفاق ساده بوده است؟ آیا اصولاً برگزیدن تعدادی از دانش‌آموزان مستعد و شرکت در مسابقات علمی و سپس کسب عناوینی در این مسابقات، می‌تواند معیاری برای سنجش معدل توان علمی دانش‌آموزان کشور باشد؟ و یک سؤال قدیمی اینکه آیا باید همچنان نگران ادامه رویداد مهاجرت جوانان مستعد این مرزوبوم به خارج از کشور بود. آنهایی که پس از کشف و شناسایی و گزینش از میان دیگران، برای ادامه تحصیل به کشورهای پیشرفته عزیمت می‌کنند و در آنجا ساکن می‌شوند و دیگر ثمری برای کشور خود ندارند. پدیده‌ای که از آن به عنوان فرار مغزها نام برده می‌شود و یکی از علل عقب ماندن برخی کشورها از کشورهای پیشرفته است.

شرکت در مسابقاتی که با عنوان المپیادهای علمی دانش‌آموزی در سطح جهان برگزار می‌شود و کسب عناوین بالا در این مسابقات، یک کار ساده نیست در واقع کشف دانش‌آموزانی که «استعداد درخشان» نام می‌گیرند، مراحل مختلف و طولانی را پشت سر می‌گذارد. هر سال با برگزاری یک آزمون علمی در سراسر کشور، از میان دانش‌آموزان مستعد سالهای دوم و سوم دبیرستان که در کارنامه درسی خود، امتیازهایی همچون معدل بالا و نمرات خوب درسهایی مختلف علوم پایه را کسب کرده باشند، تعدادی در حدود ۸۰۰ نفر برگزیده می‌شوند. این عده، مرحله دوم گزینش را در مراکز استانها و با برگزاری یک آزمون علمی دیگر پشت سر می‌گذارند. این بار از آن میان تعدادی در حدود ۴۰ نفر گزینش می‌شوند. گروه اخیر که از هر جهت شایسته‌اند یک دوره آموزشی را به مدت ۱۰ هفته در باشگاه دانش پژوهان جوان و زیر نظر استادان دانشگاه و یکی از برگزیدگان المپیادهای سال قبل، سپری می‌کنند. پس از این دوره با برگزاری امتحان پایان دوره آموزشی و تأثیر نمرات امتحانات میان دوره، شش نفر اول* مشخص و به عنوان برندگان مسابقه، به کسب مدال طلای المپیاد کشوری نائل می‌شوند. این شش نفر برنده مدال طلا به مدت ۹ ماه در مرکز باشگاه دانش پژوهان جوان، یک دوره آموزشی فشرده را می‌گذرانند تا اینکه پس از طی مدت زمانی بیش از یکسال، چهار یا پنج نفر، با برگزاری امتحان پایانی و تأثیر نمرات امتحانات میانی، گزینش نهایی می‌شوند. برگزیدگان نهایی، دو تا سه هفته

* نویسنده پذیرش در هر پنج المپیاد را یکسان فرض نموده است. در حالیکه این عدد برای شیمی، زیست و کامپیوتر می‌باشد و

جهت فیزیک هفت نفر و ریاضی ۹ نفر انتخاب می‌شوند. (م.ا.د.)

آخرین دوره آموزش‌ها را می‌گذرانند و سپس به مسابقات جهانی اعزام می‌شوند.

اولین نکته

اولین نکته‌ای که در مورد استعداد‌های درخشان کشورمان باید در نظر داشت این است که موفقیت این گروه در مسابقات علمی، تمام و کمال وابسته به سرمایه‌گذاری در این راه مانند آموزش‌های مدت‌داری که عنوان شده نیست یعنی نمی‌توان گفت هر کشوری که در این راه سرمایه‌گذاری کند، قادر خواهد بود تا از میان دانش‌آموزان مدارس خود، عده‌ای را برای شرکت در یک مسابقه علمی در مقطع تحصیلات متوسطه و کسب عناوین این مسابقه، گزینش کند. چنانکه برخی کشورها برای شرکت در المپیادهای علمی روی تیزهوشان خود، از مقطع پیش‌دبستانی سرمایه‌گذاری می‌کنند اما تاکنون موفق به کسب مقامی در المپیادهای علمی دانش‌آموزی نشده‌اند. در واقع باید گفت آنچه در مرحله کشف و آموزش استعداد‌های درخشان کشور ما روی می‌دهد تنها پرورش و هدایت این استعدادهاست وگرنه تا استعدادی نباشد، نمی‌توان آن را پروراند و به بالاترین سطح بین‌المللی رساند و اگر محیطی مناسب پرورش استعدادها نباشد، تنها با فراموش شدن و پژمرده شدن آن مواجه می‌شویم.

سرمایه‌گذاری برای پرورش استعدادها

نگاهی به گذشته استعداد‌های درخشان در کشور، نشان می‌دهد که کشف، حفظ و پرورش این استعدادها به هر حال به میزان توجه، برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مطلوب، بستگی داشته است.

در سالهای گذشته، نیمی از اعضاء تیم‌های شرکت‌کننده در المپیادهای علمی، از مراکز سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان بوده‌اند. نیم دیگر این تعداد از مدارس گزینش شده‌اند که یا در کشور مدارس خاص و شناخته شده‌اند مانند مدارس نیکان علوی، البرز، مطهری، مفید و کمال در تهران، توحید در شیراز، سلامتیان در اصفهان، فردوسی در نیشابور و مانند آن و یا از مدارس نمونه دولتی گزینش شده‌اند که سرمایه‌گذاری در این مدارس بسیار گسترده‌تر و عالی‌تر از مدارس معمول کشور است.

در مجموع وضع استثنایی دبیرستان علامه حلی تهران، گواهی بر این ادعاست. این دبیرستان

تا سال ۱۳۷۷، به تنهایی ۳۷ درصد مدال‌های طلای ایران (۱۳ مدال از ۳۵ مدال) ۳۲ درصد مدال‌های نقره (۲۰ مدال از ۶۲ مدال) و ۲۴ درصد مدال‌های برنز (۱۱ مدال از ۴۵ مدال)، و در مجموع نزدیک به ۲۹ درصد کل اعضا تیم‌های ملی ایران را به خود اختصاص داده است.

بعد از علامه حلی تهران، دبیرستان شهیدآژه‌ای اصفهان با ۱۴ مدال (۸ درصد کل مدالها)، شهیدهاشمی نژاد مشهد با ۹ مدال و فرزنانگان تهران با ۶ مدال در رده‌های بعد قرار می‌گیرند. در حوزه خارج از سازمان ملی پرورش استعداد‌های درخشان، «نمونه رشد منطقه ۱۶» تهران با ۴ مدال و ۶ عضو تیم‌های ملی، دبیرستان نیکان تهران با ۳ مدال و ۶ عضو تیم‌های ملی و دبیرستان مفید تهران با سه مدال و پنج عضو تیم ملی، البرز تهران با چهار مدال و پنج عضو تیم ملی در رده‌های پنجم تا هشتم ایران قرار می‌گیرند.

«امیرضابط خصوصی» که برنده مدال نقره المپیاد شیمی سال جاری در کشور دانمارک است، در باره اینکه برگزیدگان المپیادها، در سطوحی متفاوت، از آموزش دبیرستانی ویژه برخوردار بوده‌اند، می‌گوید: سطح علمی تیم‌های برگزیده برای المپیادها نمی‌تواند معیاری از نظام آموزشی ما و یا حداقل معیاری از سطح آموزش در دبیرستانهای کشور باشد. ولی بدون شک معیاری از سطح هوش و استعداد بالای دانش‌آموزان ایرانی است. وی معتقد است که سطح آموزش در دبیرستانهای کشور، خیلی متوازن و هماهنگ نیست. در واقع نقش امکانات در یک مدرسه، در روند آموزش بسیار مهم است که این امکانات از یک مدرسه دولتی تا یک مدرسه نمونه و یا یک مدرسه غیرانتفاعی، بسیار تغییر می‌کند.

رتبه‌های پایین، چرا؟

کسب رتبه‌های پایینتر نسبت به گذشته در مسابقات المپیادهای دانش‌آموزی امسال از زبان شرکت‌کنندگان در این مسابقات یک دلیل عمده دارد. بیشتر آنها معتقدند که آموزشهای باشگاه دانش‌پژوهان جوان در چند سال اخیر خود را با آزمون‌هایی که در مسابقات گرفته می‌شود، متناسب نکرده است.

«محمداسداللهی بابل» برنده مدال برنز المپیاد شیمی امسال در این باره می‌گوید: آزمون

المپیاد شیمی در دو بخش تئوری و عملی انجام شد که بخش عملی آن برای ما مشکل بود. وی می‌گوید: آموزشهایی که برای شرکت در مسابقات المپیادها داده می‌شود بیشتر تئوری است یعنی یک هفته آموزش تئوری وجود دارد و در مقابل فقط هفته‌ای دو جلسه ۳ تا ۴ ساعته آموزش عملی داده می‌شود. برای همین آزمون تئوری برای بچه‌های تیم ایران ساده بود ولی بچه‌ها به راحتی از عهده آزمون علمی و آزمایشگاهی بر نمی‌آمدند. وی دلایل دیگری نیز برای کسب رتبه‌های پایینتر ذکر می‌کند. از جمله اینکه در بعضی کشورها مانند چین به دانش‌آموزان شرکت‌کننده در مسابقات المپیاد، دو سال آموزش می‌دهند و در برخی دیگر از کشورها از این هم بیشتر است.

به گفته اسداللهی علاوه بر آن حضور برخی از اعضای تیم‌های رقیب در دو سال پیاپی، این امکان را به آنها می‌دهد تا از تجربه سال پیش خود استفاده کنند و رتبه‌های بالا را به دست آورند. امیر ضابط خصوصاً نیز در این باره می‌گوید: تیم المپیاد شیمی ایران، پنج و شش سال پیش، دو سال پیاپی، مقام اول مسابقات را به دست آورد. اما بعد به رتبه‌های هفتم و چهاردهم نیز رسیدیم و امسال ششم شدیم. وی می‌گوید: از سالی که سؤالیهای آزمایشی بیشتر شد تیم ما دیگر مقام اول را به دست نیاورد. سؤالیهای تخصصی و سؤالیهای آزمایشی تمرین می‌خواهد و نیاز به آموزشهای عملی در آزمایشگاههای مجهز دارد.

وی در عین حال کسب رتبه‌ای چند پله پایینتر نسبت به سال گذشته را ناشی از یک تناوب ذکر می‌کند که سایر کشورها نیز این تناوب را در کسب مقام‌های المپیاد داشته‌اند. یعنی در واقع برخی از رتبه‌های به دست آمده نسبت به سالهای گذشته نوعی «جابه‌جایی» محسوب می‌شود تا اینکه به یکباره «افت تحصیلی» به حساب آید. اما به هر حال وی معتقد است که اگر آموزشهای باشگاه دانش‌پژوهان به آزمون عملی المپیاد توجه نداشته باشد، کسب عنوان اول و عناوین بالا مانند گذشته بسیار دشوار خواهد بود.

آینده استعدادهای درخشان

بسیاری از استعدادهای درخشان کشور ما، برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته‌اند. آنها از اولین اظهار نظرهایشان حضور در محافل علمی و دانشگاهی خارج از کشور را نوعی اجبار ناشی از سطح بالای علم در این دانشگاهها می‌دانند و امیدوارند که پس از فارغ‌التحصیلی به کشور خود

بازگردند اما سرنوشت آنها و عقاید و تمایلاتشان بعد از فارغ‌التحصیلی، معمولاً تغییر می‌کند و این خاص کشور ما نیست چنانچه اخیراً در یک آمار شگفت‌انگیز اعلام شد نیمی از «مغز»‌های کشورهای آسیایی به آمریکا مهاجرت کرده‌اند.

محمداسداللهی در پاسخ به این سؤال ماکه برنامه‌ات برای آینده چیست می‌گوید: قصد دارم در ایران بمانم. وی اما در پاسخ به این سؤال که آیا گمان می‌کنی پس از اخذ لیسانس بر همین عقیده باشی، می‌گوید: بهتر است این سؤال را همان زمان نیز دوباره از من بپرسید. چون به هر حال چهار سال دیگر، زمان دیگری است و شرایط تغییر کرده است.

امیر ضابط خصوصاً نیز در همین مورد با کمی رودربایستی چنین می‌گوید: تا لیسانس در ایران هستم. اما در علم شیمی امکانات آزمایشگاهی خیلی مهم است برای ادامه تحصیل در سطوح پیشرفته و برای ادامه کارهای تحقیقاتی، اگر بخواهیم دوره‌ای را بگذرانیم باید به خارج از کشور برویم. وی توضیح می‌دهد که می‌توان به خارج رفت و در آنجا ساکن شد و در عین حال نیز به ایران خدمت کرد. به هر حال پس از فارغ‌التحصیلی در رشته‌های معتبر علمی باید کار مربوط را نیز در همان مقاطع و در همان سطوح انجام داد و این مستلزم ساکن شدن در محل تحصیل است.

در این سالها موضوع حفظ استعداد‌های درخشان از آن رو اهمیت پیدا کرده است که تعداد زیادی از این گروه، در سالهای گذشته با استقبال محافل دانشگاهی غربی از کشور خارج و در کشورهای مقصد ساکن شده‌اند.

فرار مغزها عواملی در کشورهای مبدأ و مقصد دارند که برخی از آنها البته اجتناب‌ناپذیر است. اگر از معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در کشورهای مبدأ و نبود همین معضلات در کشورهای مقصد و نیز برخی مشکلات شخصی به سادگی بگذریم. موضوع امکانات علمی و تخصصی و گستردگی کار همسطح و مرتبط با این علوم، عاملی است که اجتناب‌ناپذیر نشان می‌دهد و فقط رضایت فرد به خدمت در کشورش - اگر چه در طرازی پایین تراز توانایی هایش - می‌تواند آنرا اجتناب‌پذیر کند.

در واقع اجتناب‌ناپذیری مهاجرت مغزهای جهان سوم از آن روست که این کشورها فقط یک درصد از «علم» جهان را در اختیار دارند و بعید نیست که استعداد‌های درخشان در این کشورها در جستجوی ۹۹ درصد باقی، از کشور خود مهاجرت کنند.

اهمیت دادن به دقایق عمر خود از مهمترین ویژگی دانشمندان بوده است*

گفتگو با احسان اردستانی زاده برنده مدال نقره المپیاد جهانی فیزیک (علامه حلی تهران)

درخشش جوانان کوشا و پرتلاش کشورمان در صحنه‌های علمی جهان این روزها تماشایی و غرورانگیز است. عزیزانی که با شرکت در المپیادهای بین‌المللی در میان دهها کشور صاحب نام در زمینه‌ها و رشته‌های مختلف، سر بلند می‌کنند و نام و پرچم ایران را به واسطه تلاش و همت خود در میان سرهای برجسته دنیا به اهتزاز در می‌آورند. در سال جاری نیز مثل دیگر سالهای گذشته شاهد آن هستیم که دانش آموزان میهنمان در صحنه المپیادهای جهانی صاحب رتبه‌ها و مدالهای نیکو گشته لیاقت و استعداد ایرانی در فائق آمدن بر امتحانات و آزمونهای مختلف به اثبات می‌رسانند. در راستای تجلیل از این عزیزان چندی است که شاهد گفت وگوهای متعدد ما با آحاد اعضاء تیمهای مختلف کشورمان شرکت کننده در المپیادهای شیمی - زیست‌شناسی و فیزیک هستیم. برای این شماره نیز گفت وگو با آقای اردستانی زاده دارنده مدال نقره، عضو تیم ۵ نفره کشورمان در المپیاد جهانی فیزیک را برایتان آماده کرده‌ایم.

آقای اردستانی زاده ۱۸ سال سن دارد. در دبیرستان علامه حلی تهران به تحصیل متوسطه پرداخته با پشت سر نهادن دوره پیش‌دانشگاهی اکنون آماده ورود به دانشگاه می‌باشد. وی در مورد انتخاب رشته تحصیلی خود به خبرنگار ما می‌گوید قصد دارد رشته برق دانشگاه صنعتی شریف را انتخاب نماید. وی در مورد نحوه انتخابش به عنوان عضو تیم المپیاد می‌گوید: در مرحله اول بین حدود ۱۰ هزار دانش آموز داوطلب در رشته فیزیک آزمون برگزار شد که ۸۰۰ نفر از میان آنها انتخاب شدند. از میان ۸۰۰ نفر طی آزمون دیگری که برگزار گردید ۴۰ نفر انتخاب شدند. در تابستان یک دوره آموزشی برگزار گردید که ۷ نفر از میان آنها انتخاب شده به مدال طلای کشوری دست یافتند که از شرکت در کنکور نیز معاف بودند من هم جزو آن ۷ نفر بودم که پس از طی یک دوره آموزشی، ۵ نفر اعضاء نهائی تیم برای شرکت در المپیاد جهانی فیزیک انتخاب شدیم.

وی در پاسخ به این پرسش که آیا احتمال چنین موفقیت بزرگی برای خود را می‌داد می‌گوید:

«در ابتدا برای سنجش استعداد و توانایی علمی خودم وارد کار شدم. با موفقیتی که در مرحله اول به دست آوردم دیدم می‌توانم به اهداف بزرگتر از آن بیندیشم لذا هر چه بیشتر رفتم امیدواری‌ام برای کسب موفقیت نهایی بیشتر شد. خوب است بدانید که تیم فیزیک کشورمان سال گذشته رتبه دوم را از آن خود کرده بود و در سال جاری به رتبه چهارم در بین ۶۴ کشور دست یافت. در همین زمینه از اردستانی زاده سؤال کردم گفت: «بسته به نوع سؤالات و فضای المپیاد این جایگاهها در حال نوسان است و این طبیعی است مقام کشورمان در این رشته نیز معمولاً بین ۳ تا ۴ متغیر بوده است.» وی از نحوه آموزش، تأمین امکانات علمی و آزمایشگاهی برای گروه فیزیک ابراز رضایت کرده استفاده از تجارب برگزیدگان سالهای پیش را نیز از جمله مهمترین بخشهای این آموزش می‌داند. از وضعیت تحصیلی و شغلی اعضاء خانواده‌اش می‌پرسم می‌گوید: پدرم دارای دکترای رشته عمران است. مادرم فوق دیپلم می‌باشد برادرم پزشکی و خواهرم داندانپزشک می‌باشد. وی در مورد تأثیر محیط خانواده در کسب موفقیتش می‌گوید: «از خانواده‌ام به خاطر فضای علمی و روحی مثبتی که برایم فراهم کردند متشکرم. عمده کاری که والدین برای فرزندانشان می‌توانند انجام دهند نیز همین است که آرامش ذهنی را برای آنها ایجاد کنند در فضای آرامش است که استعدادها مجال بروز پیدا می‌کند.» پرداختن به ورزش شنا- فوتبال و تنیس روی میز و مطالعه رمان از کارهایی است که اردستانی زاده برای پر ساختن اوقات فراغت خود استفاده می‌کند. از وی در خصوص میزان و نحوه انس و مطالعه قرآن کریم می‌پرسم می‌گوید: تاکنون در مسابقات مختلف قرآنی شرکت کرده‌ام در سال سوم راهنمایی در میان دانش آموزان مدارس تیزهوشان کشور در رشته مفاهیم قرآن نفر اول شدم و یک بار نیز در همین رشته در سال اول دبیرستان به مقام سوم نائل شدم.»

وی با ابراز نگرانی از وضعیت تدریس درس فیزیک در مدارس کشور می‌گوید: «سطح عمومی تدریس فیزیک ضعیف است. مطالب کتب فیزیک تکراری است به طوری که ما شاهدیم مطالب درسی مثل «مکانیک» سال سوم دبیرستان ضعیف تر از مطالب کتاب اول دبیرستان است و به درس فیزیک به مثابه یک درس حفظی نگاه می‌شود.

از وی می‌پرسم اگر روزی بخواهد در رشته فیزیک شاکاری علمی خلق کند آن کار بزرگ چه خواهد بود می‌گوید: «این روزها بحث اصلی در میان دانشمندان موضوع مهار انرژی خورشیدی است. اگر امکانات فراهم شود دوست دارم در همین مقوله وارد شوم.» وی در پیامی

به جوانان می‌گوید: به زندگی دانشمندان بزرگ که نگاه می‌کنیم می‌بینیم اهمیت دادن به دقایق عمر خود از مهمترین ویژگی و از رموز موفقیتشان بوده است. جوانان نیز باید به این موضوع اهمیت قائل شده و به تقویت اراده و روحیه خود بپردازند.

جوانان نقش توکل به خدا و توسل به نماز و قرآن را در کاهش اضطرابها و سختیهای زندگی جدی بگیرند*

گفتگو با آرش امینی برنده مدال نقره المپیاد جهانی ریاضی (علامه حلی تهران)

در ادامه سلسله گفت و گوهای خود باگزیدگان المپیادهای جهانی مصاحبه اختصاصی خود با آقای «آرش امینی» عضو تیم المپیاد ریاضی و دارنده مدال نقره این دوره از المپیاد را تقدیم حضورتان می‌کنیم.

«آرش امینی» ۱۸ سال سن دارد و در دبیرستان «علامه حلی تهران» تحصیلات متوسطه خود را به پایان رسانده و از مهرماه سال جاری به سنگر دانشگاه وارد خواهد شد. از هم اکنون رشته برق دانشگاه صنعتی شریف را به عنوان رشته تحصیلی خود برگزیده است و درخصوص وجوه تشابه و تفاوت رشته انتخابش با رشته المپادی خود می‌گوید: در رشته برق مباحثی مطرح است که در رشته‌های ریاضی نیست ضمن آنکه ریاضی که در رشته برق مطرح است بسیار دارای تفاوت با ریاضی است که در رشته ریاضی محض مطرح می‌گردد اما با این وجود مباحث و دروس مشترک زیادی نیز دارند که این وجوه اشتراک باعث این انتخابم شده است.

خوب است بدانید آقای امینی فرزند معظم شهید نیز می‌باشد پدر بزرگوارش دبیر شیمی بود که در سال ۶۵ و در جریان بمباران هوایی دشمن در شهرستان اراک به شهادت نایل آمد آقای امینی می‌گوید: «موقع شهادت پدرم من تنها چهار سالم بود لذا عمده مطالب در خصوص ایشان را از زبان مادر و پدر بزرگم شنیده‌ام و می‌دانم که عاشق خدمت بود.» وی در خصوص وضعیت فرهنگی و شغلی خانواده خویش می‌گوید: «با پدر بزرگ و مادر بزرگم زندگی می‌کنم مادرم فوق

لیسانس کتابداری داشته در حال حاضر نیز مشغول تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد رشته ارتباطات می‌باشد و خواهرم نیز در سال دوم دبیرستان مشغول به تحصیل می‌باشد. وی در مورد عوامل موفقیت خویش می‌گوید: «لطف خدا و دعای مادرم مهمترین عامل توفیقم بود و بعد از آن تلاش و پیگیری‌های پدر و مادر بزرگم نقش مهمی در این موفقیت‌ها داشت به طوری که «پدر بزرگم مرا به این کار و ورود در رشته ریاضی تشویق کرد و از همان دوران دبستان مسئله‌هایی در سطح بالاتر از کلاس را برایم مطرح می‌کرد و کمک می‌کرد تا آنها را حل کنم.

وی با ذکر مراحل گزینش خود به عنوان عضو تیم ۶ نفره کشورمان در المپیاد ریاضی می‌گوید: «اولین مرحله آزمون در بهمن سال ۷۷ و با شرکت ۶۰ هزار شرکت‌کننده برگزار گردید که از میان آنها یک هزار نفر انتخاب شدند. در اردیبهشت ۷۸ آزمون مرحله دوم برگزار گردید و طی آن ۴۰ نفر انتخاب شدند و در تابستان ۷۸ دوره‌هایی برای ۴۰ نفر برگزار و پس از آن ۹ نفر انتخاب و به مدال طلای کشور نایل آمدیم. که یک سال آموزش دیده و در نهایت ۶ نفر به عنوان اعضای تیم المپیاد انتخاب شدیم.

آقای امینی در خصوص برنامه‌های علمی خود می‌گوید: «در نظر دارم در کنار شغل و زندگی به تحقیقاتم نیز ادامه دهم به خصوص پی‌گیر نظریه «گراف» باشم. نظریه گراف هنوز مسایل حل نشده بسیار دارد که باید در آینده گشوده گردد.»

وی در مورد مطالعات غیر درسی خود می‌گوید: بیشتر کتب رمان، مجله و روزنامه مطالعه می‌کنم اوقات فراغتم را نیز به ورزش بسکتبال و شنا و فوتبال می‌پردازم. وی در خصوص نحوه برخورد نمایندگان سایر کشورها با اعضای تیم کشورمان می‌گوید: «عمده آنها خواستار کسب آگاهی و اطلاع از وضعیت کشورمان بودند. مثلاً اعضای تیم ویتنام که به لحاظ رتبه نیز در وضعیت بهتری نسبت به تیم ما قرار داشت بسیار سعی می‌کردند که به زبان انگلیسی که من هم به آن مسلط هستم با ما ارتباط برقرار نمایند و پرسشهای خود را در مورد کشورمان مطرح سازند.» وی در خصوص میزان تسلط خویش به زبان انگلیسی می‌گوید: «چهار سال کلاس زبان رفته‌ام و هم اکنون به مکالمه این زبان تسلط دارم.

وی در ذکر دیگر موفقیت‌های خود می‌گوید: «در سال دوم دبیرستان نیز در المپیاد شرکت کردم و تا مرحله دوم (۴۰ نفره) پیش رفتم و موفق به کسب مدال نقره شدم.» وی در ارزیابی استعداد فرزندان کشورمان در این المپیاد می‌گوید: «همین را برایتان بگویم که ما وقتی به المپیاد اعزام

شدیم در فکر تصاحب مدال‌های طلای این دوره بودیم و امیدوارانه به این موفقیت می‌نگریستیم در حالی که شاهد بودیم اعضاء دیگر تیمهای سایر کشورها همه سعی شان و آرزویشان این بود که بتوانند مدال برنز را به دست آورند. لذا بچه‌های کشورمان از طمأنینه و بلند نظری ویژه برخوردار بودند که آن را در سایر تیمها ندیدیم.

وی در خصوص توکل به خداوند در زندگی می‌گوید: «آنچه را که خودم از نزدیک شاهدش بودم این بود که توکل به خدا باعث کاهش اضطرابهای زندگی و آسان شدن مشکلات می‌شود لذا به عنوان یک تجربه می‌گویم که جوانان نقش توکل به خدا و توسل به نماز و قرآن را در کاهش اضطرابها، نگرانیها و سختیهای زندگی جدی بگیرند.

وی در ارزیابی خویش از وضعیت برگزاری دوره‌های آموزش در ایران می‌گوید: «شاهد آن هستیم که مراحل اول و دوم آزمون المپیاد با اشتیاق و تلاش فوق العاده شرکت کنندگان برگزار می‌شود. اما از مرحله دوم به بعد که برگزیدگان مدال طلا را گرفتند از شدت فشارها و تلاشها کاسته می‌شود و علاقه به مطالعه کم می‌شود و این مطلوب نیست در حالی که به نظر من کار باید تا آخر جدی گرفته شود و بروز سستی در وسط کار باعث عواقبی می‌گردد که جبران آن مشکل تر می‌شود.

از آقای امینی می‌پرسم اگر بخواهد مدال المپیاد را به کسی هدیه کند آن شخص که خواهد بود می‌گوید: «آن فرد مادر بزرگم خواهد بود. چون بیشترین تلاش را برای کسب موفقیتیم او کشید وی اطلاعات جدید در رشته ریاضی را به دست می‌آورد و آن را با من مطرح می‌کرد و آرزوهای وی دیدن این درجه از موفقیت من بود.»

از وی در خصوص نحوه و میزان زیارت مزار مطهر پدر شهیدش می‌پرسم می‌گوید: «مزار پدرم در اراک است. سالی ۲ بار به شهرستان می‌رویم و اولین جایی که به زیارتش می‌روم مزار پدرم می‌باشد که احساس می‌کنم با شهادتش به بزرگترین رستگاری در دنیا و آخرت نایل شد. وی در پیامی به فرزندان شهدا می‌گوید: «فرزندان شهدا در جامعه رسالت مضاعفی دارند. آنها باید لیاقت و شایستگی فرزندان کسانی را که به نام و تاریخ ایران آبرو بخشیدند را در صحنه‌های مختلف زندگی به اثبات رسانند و از سوی دیگر به سهم خود در پیشرفت و توسعه علمی کشور سهیم باشند.

قرار مغزها جامعه را از ظرفیت‌های علمی تهی می‌سازد*

«بیش از ۸۰ درصد از برگزیدگان المپیادهای علمی سالهای اخیر در دانشگاه‌های خارجی جذب شده‌اند».

این گفته رییس انجمن ریاضی ایران به همراه آمارها، اخبار و حساسیت‌هایی که این روزها در مورد مهاجرت نسل تحصیلکرده و جوان عنوان می‌شود، لزوم توجه به پدیده فرار مغزها را دوچندان کرده است.

برای بررسی پدیده فرار مغزها باید در بحث کلی تر مهاجرت در کشورهای در حال توسعه را در نظر داشت.

به اعتقاد جامعه شناسان «مهاجرت کوششی است برای دستیابی به محیطی مساعدتر برای زندگی که در اثر عوامل و فشارهای جغرافیایی، محیطی، سیاسی، نظامی و یا اعتقادی روی می‌دهد».

مهاجرت ناشی از رشد و توسعه ناموزون است که این پدیده در واحد ملی از روستا به شهر و در واحد بین‌المللی از کشورهای در حال توسعه به سوی کشورهای توسعه یافته عینیت می‌یابد. توسعه ناموزون ممکن است در برخی از کشورهای پیشرفته نیز روی دهد، به این معنی که وجود خلأهایی در برخی از عرصه‌ها موجب مهاجرت عده‌ای خاص شود که چنین خلأهایی را بر نمی‌تابند و برای به دست آوردن آن «مزیت»، دست به مهاجرت به جایی می‌زنند که چنان مزیت‌هایی وجود داشته باشد.

چندی پیش رسانه‌های انگلستان هم خبر از فرار مغزهای این کشور به کانادا و آمریکا داده‌اند.

این رسانه‌ها گفتند: نخستین علایم خطر در مورد بحران پژوهشگران جوان انگلیسی چند سال پیش آشکار شد. زمانیکه مشخص گردید. برخی از بورس‌های تحقیقاتی به دلیل پایین بودن مبلغ پرداختی در این کشور بدون متقاضی باقی مانده است.

روزنامه گاردین چاپ لندن در همین زمینه نوشت: دانشجویان مقطع دکترا همچنان از نظر حقوق در پایین‌ترین سطح حقوق بگیران متخصص در انگلیس قرار دارند.

این روزنامه خاطر نشان ساخت که در حال حاضر بسیاری از مراکز مشهور و معتبر علمی انگلیس که سالها از شهرت و اعتبار جهانی برخوردار بوده‌اند، به دلیل کم شدن تدریجی بودجه آنها، به مرور در حال تبدیل شدن به مراکزی درجه دو هستند. به دنبال آن دولت انگلستان بلافاصله یک بودجه چند میلیارد پوندی برای مقابله با این روند تصویب و به اجرا گذاشت.

به رغم اینکه کارشناسان، مهاجرت را امری طبیعی می‌دانند ولی نوع خطرناک آن را به عنوان یک آسیب جدی اجتماعی مورد بررسی قرار می‌دهند که باید با شناخت دقیق و علمی آن از خسارات احتمالی و قطعی آن جلوگیری به عمل آورد. به اعتقاد کارشناسان آنچه در ۵ سال گذشته در ایران آغاز و تاکنون تداوم یافته است، «موج مهاجرت خطرناکی» است که تحصیل کردگان و متخصصان را با خود به سوی کشورهای غرب سرازیر می‌کند.

نگاهی به تاریخ مهاجرت در ایران پس از پیروزی انقلاب علل و نوع مهاجرت را در میان ایرانیان مهاجر روشن می‌سازد.

در ایران پس از انقلاب روند مهاجرت همراه با انقلاب عکس شد و بسیاری از کسانی که در خارج از کشور زندگی می‌کردند به ایران بازگشتند، بسیاری از دانشجویان با نیمه کاره رها کردن تحصیل خود ترجیح دادند که به انقلاب بپیوندند اما طولی نکشید که دوباره مهاجرت از ایران و این بار به شکل وسیعتری آغاز شد.

- مرحله اول: سال ۵۷، ۵۸ همزمان با موج توفنده انقلاب اسلامی و احتمال پیروزی قریب‌الوقوع مردم، عده زیادی از جمله وابستگان رژیم، سرمایه داران، نظامیان، مدیران، عناصر و عوامل سیاسی و امنیتی از کشور خارج شدند.

- مرحله دوم: سالهای ۶۰ و به دنبال شروع موج ترور و درگیری‌های گروههای برانداز، موج جدیدی از مهاجرت که عمدتاً شامل کادرها، اعضا و هواداران گروههای برانداز از داخلی بود از کشور گریختند.

- مرحله سوم: در سال ۶۴ به دنبال تشدید جنگ شهرها و حملات موشکی، موج سوم مهاجرت از ایران آغاز شد که عمده این دسته از مهاجرین را جوانانی تشکیل می‌دادند که از ترس سربازی و جنگ به تنهایی و یا با خانواده‌های خود از کشور خارج شدند.

- مرحله چهارم: از ۵ سال پیش آغاز شده و بیشتر جنبه اجتماعی و اقتصادی داشت که شامل

خروج متخصصین، سرمایه‌ها و نیرو بود.

در این مرحله نیروی کار عمدتاً در کشورهای عرب همسایه، ژاپن و جنوب شرق آسیا سکنی گزیدند و سرمایه‌ها نیز عمدتاً به کشورهای اروپایی و آمریکایی و مغزها و متخصصان عمدتاً به آمریکا و کانادا سرازیر شدند.

عمده کسانی که در موج چهارم، به کشورهای آمریکا، کانادا و آلمان مهاجرت کردند دانشجویان جوانی بودند که عمدتاً در رشته‌های فنی تحصیلات عالی خود را در دانشگاه‌های داخل به اتمام رسانده و با دریافت پذیرش از دانشگاه‌های معتبر و گاه عادی خارج از کشور آهنگ غربت کردند.

ویژگی‌های دانشجویان و متخصصان مهاجر موج چهارم:

یک استاد دانشگاه در تهران که خواست نامش ذکر نشود و همچنین به نام دانشگاه نیز اشاره‌ای نشود گفت: امروز به طور فزاینده‌ای از مطالبات رو به رشد دانشجویان برای سفر به کشورهای اروپایی و آمریکایی مواجهیم و این روند بسیار خطرناکی است. وی می‌گوید: جوانان دانشجویی که خواستار مهاجرت از کشور هستند، عموماً عقیده‌شان مادی نیست چون به اندازه‌ای که زندگی‌شان را بگذرانند قانع هستند و مهاجرت آنها بیشتر جنبه اجتماعی و روحی دارد.

او می‌گوید: سرعت رشد فکری در جوانان خیلی بیشتر از سرعت تحول نهادها و سازمان‌های اجتماعی است که باید در واقع نیازهای آنها را پاسخ گوید.

به اعتقاد وی شناخت اصل «رقابت و مقایسه» برای بررسی این پدیده در میان دانشجویان ضروری است چرا که دانشجویان نوعاً از افراد با استعداد و پرهوش هستند و دانشجویان فنی که عمده مهاجران موج جدید را تشکیل می‌دهند به نوبه خود از رقابت پذیری بیشتری برخوردارند.

به گفته این استاد دانشگاه وقتی دانشجو در محیط دانشگاه خود می‌بیند که عده‌ای از همکلاس‌های او توانسته‌اند از دانشگاه‌های خارج پذیرش بگیرند، خود را با آنها مقایسه کرده و سعی می‌کند در این میدان رقابت عقب نیفتد.

وی دیگر اصل حاکم بر این مجامع را «تحریک پذیری دانشجویان جوان» عنوان می‌کند و می‌افزاید: دانشجویان آستانه تحریک پذیری پایینی دارند، وقتی دانشجو می‌بیند در محیط علمی، گرفتن بورس خارجی یک منزلت است، بلافاصله دست به کار می‌شود.

او همچنین به ویژگی دیگر جوانان و خصوصاً دانشجویان اشاره کرده و می‌گوید: جوان، کم حوصله است و به اقتضای سن و سال خود صبر پیشه نمی‌کند، سرنوشت خود را به دست حوادث و قسمت نمی‌سپارد و برای دست یافتن به ایده‌آل‌های خود دست به اقدام می‌زند. این استاد دانشگاه «متفاوت جلوه کردن» را از دیگر خصوصیات دانشجویان نسل جدید عنوان می‌کند و می‌گوید: جوان می‌خواهد کاری صورت دهد تا متفاوت از بقیه جلوه کند در حالیکه نوعاً فرهنگ جامعه و حکومت خواستار تواضع و همسطح بینی است. وی جاه‌طلبی و بلند پروازی را از دیگر خصایص جوانان می‌داند که او را می‌دارد در عرصه‌هایی وارد شود که عموم از وارد شدن در آن بیم دارند. این استاد دانشگاه می‌افزاید: حیات جوانی به رقابت در محیط است و شایسته سالاری نظامی است که او را راضی می‌کند.

این استاد دانشگاه که مدعی است بیشترین حجم متخصصان فنی از دانشگاه محل تدریس او اقدام به مهاجرت می‌کنند، می‌گوید: جوان دانشجو از عملی تغذیه کرده است که نوعاً منبع خارجی دارد و طبیعی است در شرایطی که او هنوز گرفتار روز مرگی نشده است میل به دسترسی به اصل و منبع اطلاعات مورد نیاز خود دارد.

او ادامه می‌دهد: این دسته از دانشجویان به مهاجرت به عنوان یک سفر علمی نگاه می‌کنند و با ما و مسوولان کشور است که چشم انداز روشنی برای گرایشهای بعد از اتمام تحصیلات همچون شرایط مناسب مالی، منزلت اجتماعی و دیگر خواسته‌های او فراهم کنیم تا بار دیگر به آغوش وطن باز گردد.

وی دیگر ویژگی دانشجویان جوان جوئی تحصیل در خارج را «دسترسی سهل به امکانات ارتباطی» می‌داند و ادامه می‌دهد: این ارتباط منجر به آن می‌شود تا دانشجو نسبت به تحولات جاری جهان در عرصه‌های مختلف واکنش نشان دهد و بلافاصله وضعیت آنها را با شرایط خود تطبیق دهد و در این مسیر ایده‌آل و خواسته‌هایش فراتر از نگرش مردم عادی می‌شود.

او همچنین می‌افزاید: جوان دانشجو حساس است و به همان میزانی که در احاطه ایده‌آلیسم امیدوارانه است به فوریت نیز در اثر موانع موجود دچار سرخوردگی و یاس از روندهای جاری می‌شود و چون وابستگی اش نسبت به محیط ضعیف است به فکر تغییر شرایط می‌افتد. نگاهی به علل وقوع موج چهارم مهاجرت:

در خلال رسالات و مقالات موجود در باب مهاجرت به عواملی اشاره شده است که در پی

می‌آید:

توسعه نیافتگی اقتصادی، ساختار جمعیتی جوان، مشکلات اجتماعی کشورهای در حال توسعه و در مقابل جاذبه‌های طرف مقابل، وجود بحران‌های متعدد مقطعی و ملی، بیکاری و عدم اشتغال، امید به آینده و انگیزه و شوق خدمت به علم و اقتصاد را نزد این دسته از مهاجرین هدف قرار داده است.

کارشناسان چه می‌گویند؟

موج چهارم مهاجرت از ایران و یا فرار مغزها یک آسیب اجتماعی است، زیرا در حالیکه کشور به نیروهای متخصص و کار آزموده نیاز دارد، موج مهاجرت در میان جوانان متخصص گسترده‌تر می‌شود و این به معنی تهی شدن جامعه از ظرفیت‌های لازم برای رشد و توسعه است. چندی پیش رییس فرهنگستان علوم پزشکی ایران، در همایش گفتمان ایرانیان، فرار مغزها را مهمترین عامل تفاوت و نابرابری میان کشورهای پیشرفته و در حال توسعه دانست.

دکتر ایرج فاضل در مقاله خود با عنوان «فرار مغزها» گفت: این پدیده از جمله دغدغه‌هایی است که کشورهای دیگر نیز با آن دست به‌گریبان هستند.

وی افزود: براساس آمارهای موجود، ۵۰ درصد از نخبگان و متخصصان کشورهای آسیایی جذب آمریکا می‌شوند.

دکتر فاضل، شکاف اقتصادی بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، نبود بازار کار برای دانش‌آموختگان و بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی را از عواملی دانست که پدیده فرار مغزها را تشدید می‌کند.

رییس فرهنگستان علوم پزشکی درباره راهکارهای جلوگیری از پدیده فرار مغزها گفت: اختصاص بودجه مناسب و ایجاد امکانات برای احداث فضای تحقیقی و پژوهشی می‌تواند این پدیده را کاهش دهد.

فاضل، ایجاد بستر مناسب کاری، فراهم کردن امکانات فن‌آوری و ایجاد امنیت اقتصادی در کشورهای در حال توسعه را از دیگر راههای جلوگیری فرار مغزها ذکر کرد.

رییس انجمن ریاضی‌کشور نیز بر این باور است که با ایجاد خاطره خوش از کشور در ذهن جوانان می‌توان از فرار مغزها جلوگیری و زمینه بازگشت چهره‌های علمی را فراهم کرد.

مهدی بهزاد در گفت و گو با خبرگزاری جمهوری اسلامی می‌افزاید: جوان جوئی نام است و به هر طریق ممکن راه خود را برای تقویت بنیه علمی پیدا می‌کند.

وی می‌گوید: برخی از چهره‌های شاخص علمی کشور با استفاده از بورس و امکانات تحصیلی جذب کشورهای خارجی می‌شوند و عده‌ای هم با فرار از مرزها از کشور خارج می‌شوند.

وی می‌افزاید: دانشگاه‌های خارجی مراکز آموزش عالی و نخبگان علمی مراکز آموزش عالی و نخبگان علمی ما را خوب می‌شناسند و به هر طریق ممکن برای جذب آنها تلاش و سرمایه‌گذاری می‌کنند.

وی می‌گوید: امکاناتی که دانشگاه‌های خارج در اختیار نخبگان علمی ایران قرار می‌دهند اصلاً قابل قیاس با امکانات کشور نیست و با این وضعیت فرار مغزهای ما ادامه خواهد داشت. توکل معاون پژوهشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری هم ضرورت توجه به استعداد‌های درخشان کشور را مورد تأیید قرار می‌دهد و می‌گوید: باید جاذبه‌هایی را در کشور ایجاد کنیم که در ترازوی تصمیم‌گیری‌های نخبگان آنها برای رفتن به خارج، به همه‌علاقه‌ای که به کشور دارند، پشت پا نزنند.

لزوم حرکت در جهت اصلاح و راهکارها:

رهبر معظم انقلاب در جمع علما، مسئولان و کارگزاران نظام اسلامی بیاناتی را ایراد فرمودند که به یقین توجه به اجرای آن بیانات و پرهیز از بحران‌سازی‌های ساختگی می‌تواند مرهمی بر این زخم جدید باشد.

«اصلاحات جزو ذات هویت انقلابی و دینی نظام ماست. اگر اصلاح به صورت نو به نو انجام نگیرد، نظام فاسد خواهد شد و به بیراهه خواهد رفت. وقتی اصلاحات نشود، برخی از نتایجی که ما امروز با آنها دست به‌گیری‌ایم، پیش می‌آید: توزیع ثروت ناعادلانه می‌شود، نوکس‌گان بی‌رحم بر گوشه و کنار نظام اقتصادی جامعه مسلط می‌شوند، فقر گسترش پیدا می‌کند، زندگی سخت می‌شود، از منابع کشور بدرستی استفاده نمی‌شود، مغزها فرار می‌کنند و از مغزهایی که می‌مانند، حداکثر استفاده نمی‌شود. وقتی که اصلاحات باشد، این آفتها و این آسیبها و دهها مورد از قبیل آنها پیش نمی‌آید.»

بر این اساس به نظر می‌رسد که ایجاد اصلاحات اساسی در عرصه اقتصاد و بوروکراسی، ایجاد اشتغال، دوری از تشنج و بی‌ثباتی سیاسی، پرهیز از اعمال فشار به جوانان، تطبیق بیشتر با جوامع مدرن، اصلاح نظام‌گزینش و... گام‌های اولیه در برخورد با این معضل اساسی است. در خاتمه باید به شناخت و برخورد آگاهانه دفاتر نمایندگی خارج از کشور جمهوری اسلامی

ایران با این دسته از مهاجران اشاره کرد بطوریکه تجربه نشان داده است هر اندازه موافقت، همدلی و حمایت آنان از اتباع ایرانی مقیم خارج بیشتر باشد، میل بازگشت به مام میهن نزد آنان افزون تر می شود.

راز فرار مغزها از زبان مغز شیمی*

برنده مدال نقره المپیاد جهانی شیمی از مرکز میرزا کوچک خان رشت

امیر ضابط خصوصی ۱۸ سال دارد، از اهالی گیلان و از مریدان میرزا کوچک خان است. در سی و دومین المپیاد بین المللی شیمی در کشور دانمارک موفق به کسب مدال نقره شده است. او احساس رضایت و خوشبختی را در برق مدال نقره اش نمی جوید بلکه خوشبخت واقعی را کسی می داند که در راه هدف مطلوب گام برمی دارد و در این راه بر مشکلات چیره می گردد و این مسیر پرفراز و نشیب را با تفکر صحیح پشت سر می گذارد. به گفته خودش پدر و مادر مهربان، مسئول و حامی، بهترین دوستهای عالم هستند. با هم مصاحبه اش را می خوانیم:

□ غیر از کتابهای درسی چیز دیگری مطالعه می کنی؟

■ من به مطالعه علاقه بسیاری دارم و سعی می کنم که در فرصتهای آزادی که به دست می آورم به مطالعه کتاب و روزنامه بپردازم و علاقه ام بیشتر در زمینه های علمی، فلسفی، معرفت شناسی است. به شعر و ادبیات فارسی و رمان نیز علاقه دارم.

□ خوشبختی چیست؟

■ شاید بتوان ساده ترین تعریف از خوشبختی را «احساس رضایت و آرامش از نتیجه تلاشهای خود در راه رسیدن به هدف» دانست. کسی که با پشتکار و اراده در راه هدف مطلوب خود گام برمی دارد و در این راه بر مشکلات چیره می شود و با درایت و تفکر مسیر صحیح را تشخیص می دهد و هنگامی که به منزلگاهی می رسد احساس رضایت و آرامش در او شکل می گیرد که او را از گذشته خود خشنود و به آینده امیدوار می سازد.

□ به چه رنگی علاقه مندی؟

■ به رنگ سبز، رنگ حیات و زندگی.

□ رابطه شما با ورزش چگونه است؟

■ من معمولاً پس از فعالیت‌های ذهنی و مطالعه و تفکر در مسائل علمی، برای تجدید نیرو به ورزش رومی آورم. ورزشهای مورد علاقه‌ام تنیس روی میز، شنا و فوتبال است.

□ قصد داری در چه رشته‌ای ادامه تحصیل دهی؟

■ با توجه به مطالعه شیمی و موفقیت کوچکی که در این راه نصیب شده، قصد دارم در همین رشته به ادامه تحصیل پردازم و مدارج علمی آن را طی کنم.

□ بهترین دوست تو کیست؟

■ سخنان و روایات و نصیحت‌های بسیاری در مورد دوست خوب و دوستیابی در فرهنگ و دین و ادبیات ما بیان شده است که می‌توانند در انتخاب دوست ما را یاری کنند، اما به طور مختصر عرض می‌کنم که بهترین دوست کسی است که ما را به بهترین راهها هدایت کند. با توجه به این مطلب پدر و مادر و آموزگاران دلسوز را می‌توان بهترین دوست فرد در طول مسیر زندگی‌اش به شمار آورد.

□ سهم استعداد و کوشش در موفقیت تو چه اندازه بوده است؟

■ به نظر من مهمترین عامل موفقیت و پیشرفت تلاش و پشتکار و اراده است. هر چند که سهم هوش و استعداد را نمی‌توان نادیده گرفت.

□ تأثیر معنویت و انس با خدا در زندگی چیست؟

■ البته با توجه به فرهنگ ما، معنویت یکی از وجوه جدانشدنی زندگی است. همان طور که نیاز به خوراک و پوشاک و سرپناه جزء نیازهای بشر به حساب می‌آیند، نیاز به معنویت، مهر و محبت و عاطفه، راز و نیاز با معبود از ملزومات زندگی است، انسان بدون بعد عاطفی و معنوی انسان کاملی نخواهد بود همان طور که تلاش و پشتکار برای رسیدن به هدف لازم است: معنویت و اتکاء به سرچشمه نور و کمال یاری دهنده و نیروی پیش برنده و دلگرم کننده در راه گام برداشتن به سوی هدف نیز لازم است.

□ برخورد افراد خارجی با اعضای تیم ملی المپیاد چگونه بود؟

■ با توجه به تبلیغات کمی که به طور صحیح از فرهنگ و تمدن ایرانی در خارج صورت گرفته است، بسیاری از دانش‌آموزان خارجی شناخت چندانی از تاریخ و قدمت و فرهنگ ایرانی نداشتند. و این گونه مسابقات و گردهمایی دانش‌آموزان از کشورها و ملت‌های مختلف موقعیت مناسبی را برای آشنایی با سایر فرهنگها و آداب و رسوم سایر ملت‌ها و تبادل افکار و

اندیشه به وجود می‌آورد.

□ مشکل شما به عنوان دانشجوی ممتاز و برجسته چیست؟ چرا با مشکل فرار مغزها مواجه هستیم؟
■ ما طی دوره‌ای که در باشگاه دانش پژوهان جوان در تهران برای آماده شدن جهت شرکت در المپیادهای جهانی داشتیم از امکانات و استادان خوبی برخوردار بودیم با کتابخانه تقریباً مجهز و دسترسی به آزمایشگاه در دانشگاهها، اما پس از این و در زمان دانشجویی چنین امکاناتی برای تحقیق و آزمایش در سطح پیشرفته کمتر در اختیار است از این رو دانشجویان برای ادامه تحصیل و تکمیل تحقیقات و آزمایشهای خود به کشورهای پیشرفته تر مسافرت می‌کنند و از آنجا که سطح تحقیقات علمی در آنجا بالاتر است سرعت و امکان پیشرفت علمی نیز بیشتر خواهد بود.

□ شیمی را در یک جمله تعریف کن؟

■ شیمی علم شناخت و به کارگیری بهینه از محیط پیرامون است.

□ دانش آموزان می‌گویند شیمی فرار است، چرا؟

■ پایه و اساس علم شیمی تجربه است و از آنجا که امکانات و حواس ما کامل نیستند و به مرور زمان تکامل یافته تر می‌شوند، قوانین موضوعه علم شیمی در سطح کنونی دارای به ظاهر استثناءها یا پدیده‌های غیر قابل پیش بینی بسیاری است و از این رو ممکن است به نظر افراد شیمی علمی پر از استثناءهای گوناگون باشد، اما وقتی بیشتر با این علم آشنا می‌شویم و بیشتر در آن مطالعه می‌کنیم نه تنها می‌توانیم به سادگی به علت استثناءها پی ببریم بلکه این همه پیچیدگی و پدیده‌های جالب و مهیج انسان را به عظمت جهان آفرینش بیشتر واقف می‌سازد.

□ شیمیدان مورد علاقه شما کیست؟

■ امروز به قدری شیمی گسترده شده است که کمتر می‌شود به مانند قدیم در یک زمینه کلی به تخصص دست یافت ولی از شیمیدانان قدیمی من به مندلیف به دلیل دسته بندی دقیق او با توجه به امکانات آن روز شیمی دنیا علاقه مندم.

□ فایده حفظ کردن جدول مندلیف چیست؟

■ جدول تناوبی عناصر که به جدول مندلیف مشهور است جدولی است که در آن عنصرهای شیمیایی به خوبی دسته بندی شده‌اند و خواص تناوبی شیمیایی و فیزیکی آنها رعایت شده است. از این رو مطالعه عناصر با استفاده از جدول مندلیف به جای بررسی تک تک عناصر، بررسی ما را ساده تر می‌کند.

در ۱۰ سال گذشته فقط ۳ استاد دانشگاه تربیت مدرس مهاجرت کرده‌اند*

دکتر سعید سمناپان، رئیس دانشگاه تربیت مدرس در گفتگو با ایسنا با اعلام این مطلب افزود: در سال جاری ۱۰۰ نفر از استادان فارغ‌التحصیل از دانشگاه‌های خارج از کشور از جمله انگلیس، کانادا و امریکا جذب هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس شده‌اند.

وی در ادامه با اشاره به این که پدیده «فرار مغزها» فقط به ایران اختصاص ندارد، تصریح کرد: اکثر کشورهای جهان سوم و حتی کشورهای اروپایی مانند انگلیس با معضل فرار مغزها مواجه هستند. همچنین افرادی که به مهاجرت روی می‌آورند، لزوماً افراد نخبه و دارای بهره هوشی بالا نیستند، بلکه به دلایل گوناگون از جمله یافتن شغل مناسب یا تطابق فرهنگی، اجتماعی در کشور مورد نظر به این امر روی می‌آورند.

رئیس دانشگاه تربیت مدرس ایجاد امکانات اولیه رفاهی برای محققان را یکی از تدابیر مقابله با این معضل نام برد و افزود: دانشمندان مانند بازرگانان به دنبال سرمایه‌های کلان نیستند؛ بلکه امکانات اولیه یک زندگی آسوده و بی‌دغدغه و رهایی از مراحل دست و پاگیر در امور پژوهشی، اذهان آنان را آسوده خواهد کرد و آنان را به تحقیق و مطالعه راغب خواهد نمود. وی در ادامه در مورد اختصاص اعتبار برای تحقیقات از سوی وزارت علوم اظهار کرد: اختصاص اعتبار به منظور پژوهش برای دانشمندان، امر پسندیده و راهگشایی در جهت ترغیب محققان خواهد بود و دانشگاه تربیت مدرس تاکنون با اختصاص چهار میلیون ریال برای پایان‌نامه‌ها و تحقیقات مقطع کارشناسی ارشد و چهارده میلیون ریال برای پایان‌نامه‌های دکتری در این زمینه گام برداشته است و در صورت تأمین بودجه سال آینده این اعتبارات نیز افزایش چشمگیری خواهد داشت.

برخورد ریشه‌ای با مهاجرت نخبگان**

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی عصر ۱۹ آذر در دیدار اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، نقش فرهنگ را در آینده کشور و پیشرفت و سعادت ملت، بی‌مانند

خواندند و حساسیت مستمر در مورد وضع فرهنگی جامعه را و وظیفه مهم مسئولان مختلف نظام بر شمردند. رهبر معظم انقلاب در این دیدار که در سالگرد تاسیس شورای عالی انقلاب فرهنگی به فرمان امام خمینی (ره) صورت گرفت فرهنگ را مجموعه‌ای از عقاید و اخلاقیات «فردی، اجتماعی و ملی» توصیف کردند و با اشاره به تاثیر فرهنگ در رفتار فردی و اجتماعی خاطر نشان کردند: تاکید در مورد اهتمام به ارتقاء فرهنگ جامعه و داشتن دغدغه در مورد اوضاع فرهنگی کشور ناشی از دیدگاه اسلام در مورد مقوله فرهنگ و تاثیر تعیین کننده مسائل فرهنگی در حال و آینده جامعه است.

ایشان فرهنگ را مبنای عمل فردی و اجتماعی بر شمردند و افزودند: اگر ایمان و عقاید اسلامی با خلیات ملی نظیر عزم و اراده، غرور ملی، احساس توانایی، انضباط، نشاط، همکاری و مشارکت و نظایر آنها همراه شود راه رسیدن به آرمانها و اهداف انقلاب و ملت را هموار می سازد و فرهنگ از این زاویه نیز اهمیتی مضاعف می یابد.

حضرت آیت الله خامنه‌ای ناسالم بودن محصولات فرهنگی در زمینه‌های مختلف فکری، هنری و استفاده ناصحیح از ابزارهای فرهنگی را موجب خدشه دار شدن یا سست شدن عقاید بشری دانستند و تصریح کردند: همه وظیفه دارند از موضع دفاع از بشریت و انسانیت به مقابله صحیح با اینگونه موارد بپردازند. ایشان در تبیین تفاوت اهمیت مقوله فرهنگ در نگرش اسلامی و نگرش مادی، خاطر نشان کردند: در نگرش غرب مادیگر، تساهل و مدارا در مورد مسائل مربوط به قدرت، ثروت و سیاست جایی ندارد و در این گونه موارد با کمال خشونت و قدرت رفتار میشود اما در باب فرهنگ و عقیده و اخلاق و رفتار تا جائیکه به منافع اقتصادی و سیاسی مربوط نشود، نوعی بی‌اعتنایی، تساهل و عدم موضع‌گیری وجود دارد در حالیکه اسلام بعلت حساسیت کامل به سرنوشت انسان و جامعه، بی‌اعتنایی و بی‌مسئولیتی در قبال مسائل فرهنگی و عقیدتی را به هیچ وجه نمی‌پذیرد. رهبر معظم انقلاب اسلامی با تاکید بر ضرورت عدالت در گستره مسائل فرهنگی افزودند: بخشی از گستره وسیع عدالت اسلامی به مسائل فرهنگی باز می‌گردد و کمک به انسانها برای جلوگیری از انحراف عقیدتی فرهنگی و رفتاری آنها، تجلی عدالت محسوب می‌شود و بی‌اعتنایی در مقابل امکان انحراف افراد و جامعه، نشان دهنده بی‌عدالتی بشمار می‌آید. ایشان با طرح این سؤال که آیا دولت و حکومت اسلامی می‌تواند در مورد جهت‌گیری عقیدتی و اخلاقی مردم بیطرف باشد و تنها با تامین آزادی امنیت، میدان فرهنگ را به شیوه‌هایی نظیر عرضه و تقاضا بسپارد؟ خاطر نشان کردند: دولت اسلامی اعم از

قوای سه‌گانه و تمامی دستگاهها و مسئولان باید در بازار عرضه عقیده و فرهنگ، نسبت به هدایت مردم احساس وظیفه کامل کند و تمام امکانات را برای آگاهی مردم و جلوگیری از انحراف آنها ایجاد نمایند.

رهبر معظم انقلاب: با تاکید بر اینکه احساس وظیفه دولت اسلامی در قبال فرهنگ مردم و جامعه، به معنای کاربرد زور و تحمیل در مسائل فرهنگی نیست افزودند: البته دولت در مواقع لازم برای جلوگیری از انحرافات فرهنگی، به وظیفه خود عمل کند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی جامع فرهنگی را نیازمند یک عقل جمعی فعال خواندند و در همین زمینه افزودند: دولت دینی با دین دولتی متفاوت است و دولتی که مبنای مشروعیتش دین است باید برای حفظ دین و فرهنگ مردم، بدون هراس از جوسازیها با استفاده از شیوه‌های لازم به وظایف خود کاملاً عمل نماید. ایشان در بخش دیگری از سخنانشان با اشاره به جایگاه قانونی مستحکم شورای عالی انقلاب فرهنگی، عمل به سیاستهای مصوب این شورای عالی را، وظیفه تمامی دستگاهها خواندند و از تلاشهای اعضا، شورای عالی انقلاب فرهنگی قدردانی کردند. رهبر معظم انقلاب برنامه‌ریزی شورایی انقلاب فرهنگی را برای کمک به ایجاد اشتغال برای فارغ‌التحصیلان دانشگاهی خواستار شدند و افزودند: شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌تواند با توجه به ابعاد کلان موضوع به دولت و مجلس در زمینه حل این مشکل یاری رساند.

رهبر معظم انقلاب اسلامی با تاکید بر لزوم بازسازی نظام آموزش عالی و تطبیق آن با نیازهای عینی کشور خاطر نشان کردند: شورای عالی انقلاب فرهنگی با توجه به ویژگی فرباشی، موقعیت مستحکم و جایگاه مستمر خود می‌تواند با دیدی بلندنگر و استراتژیک و فارغ از دسته‌بندیهای سیاسی و دل‌مشغولی‌های روزمره، بازسازی نظام آموزش عالی را پیگیری کند. ایشان کمک شورای عالی انقلاب فرهنگی به عمیق‌سازی، ساده‌سازی و پیراستگی درسهای معارف دانشگاهی را خواستار شدند و ضمن تاکید بر لزوم سیاسی‌بودن دانشگاهها افزودند: دانشجویان دانشگاه باید با مسائل سیاسی آشنا باشد و قدرت تحلیل سیاسی خود را افزایش دهد اما این مسئله با تبدیل شدن دانشگاهها به «باشگاه احزاب و گروههای سیاسی» کاملاً متفاوت است و مسئولان آموزش عالی باید با تلاش برخی عناصر، گروهها و جریانهای سیاسی برای تحقق این مسئله، مقابله کنند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای همچنین «نخبگان» را سرمایه‌های ملی خواندند و ضمن تاکید بر برخورد ریشه‌ای با مسئله مهاجرت نخبگان افزودند: باید با حل مشکلات موجود، از این سرمایه‌های گرانبه‌تر برای پیشرفت کشور استفاده کرد. در این دیدار، قبل از سخنان رهبر معظم انقلاب، آقای خاتمی

رئیس جمهور و رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی در گزارشی از عملکرد شورا، تصویب سیاست‌های کلی و راهبردی مقابله با تهاجم فرهنگی را از دستاوردهای شورای عالی انقلاب فرهنگی اعلام کرد. آقای خاتمی تدوین سیاست‌های راهبردی اسلامی شدن دانشگاهها، بررسی و پیگیری طرح ساماندهی مدیریت فرهنگی کشور، تدوین چگونگی ارزیابی عینی اوضاع علمی و فرهنگی کشور، تاسیس فرهنگستان هنر و تشکیل ستاد اجرای سیاست‌های بزرگداشت امیرمومنان حضرت علی (ع) را از دیگر نتایج فعالیتهای شورای عالی انقلاب فرهنگی در یکسال اخیر برشمرد. گفتنی است که در پایان این دیدار نماز مغرب و عشاء به امامت حضرت آیت‌الله خامنه‌ای اقامه شد.

نخبگان عرصه علوم غریب و مظلوم واقع شدند*

حجت‌الاسلام زم، در مراسمی با حضور دانشجویان ممتاز و نخبگان المپیادهای علمی گفت: چرا باید عرصه‌های گوناگون علم و نخبه‌گرایی در جامعه اینقدر غریب و مظلوم باشد؟ به گزارش روابط عمومی سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران؛ حجت‌الاسلام والمسلمین زم در مراسم ضیافتی که به افتخار دانشجویان ممتاز دانشگاه‌ها و برگزیدگان المپیادهای علمی در فرهنگسرای بهمن برگزار شده بود، ضمن تجلیل از مقام علما و اندیشمندان رشته‌های مختلف علوم، طی سخنان کوتاهی گفت: کسانی که در راه علم، یادگیری علم، یاد دادن علم، تحقیق علم، تولید علم، توسعه علم و خدمات علمی می‌کوشند، همه جزو علما و جزو اندیشمندان هستند. بنابر این گزارش، در این ضیافت که توسط سازمان و با همکاری دفتر نمایندگی ولی فقیه در دانشگاهها برگزار شده بود، رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران گفت: آنچه که امروز به عنوان یک خطر جدی، ساحت علم و تولید اندیشه را در کشور ما مورد مخاطره قرار داده است دو چیز است: یک، علم‌گرایی مطلق منهای معنویت و باورهای الهی، و خطر دیگر، سیاست زدگی حاکم و گسترش یافته در عرصه علم است. وی گفت: اینکه سیاست بخواند بر علم، دین، تفکر، فلسفه و اندیشه سیطره داشته باشد، چیزی از علم و دین و فلسفه باقی نخواهد ماند، سیاست بخشی از علوم است و همواره بقیه رشته‌های علوم هم باید جایگاه خود را پیدا کنند.

وی افزود: چرا یک استادی که در رشته‌های دیگر تجربی صاحب نام و آوازه است فقط باید با یک گرایش حزبی و سیاسی خودش را به جامعه معرفی کند؟ چرا باید عرصه‌های گوناگون علم و نخبه‌گرایی در جامعه اینقدر غریب و مظلوم باشد که استاد و دانشجوی نخبه و برجسته در رشته‌های فیزیک، ریاضی، پزشکی و سایر علوم جایی برای مطرح شدن و جایی برای قهرمان شدن خودشان نیابند. اما کسانی که اهل سیاست می‌شوند در صحنه جامعه بتوانند همواره قهرمان باشند؟ حجت‌الاسلام زم تأکید کرد: یک روز مادر جهان مفتخر بودیم به تولید علم و بزرگان ما علم تولید می‌کردند و علم از این خطه جهان به دیگر نقاط جهان سرایت پیدا می‌کرد. اما در برهه‌های اخیر به دلیل غلبه نخبگی سیاست و سیاست زدگی بر سایر رشته‌ها و عرصه‌های علوم متأسفانه نخبگی علوم دچار یک نارسائی و یک ناهنجاری شده است.

